

مهارت‌های اساسی زندگی در عصر فاوا

محمود مهر محمدی^۱

با تحلیل شرائط ویژه‌ای که در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فناوری در عصر فاوا بر جوامع مستولی شده یا به شکل گریز ناپذیری خواهد شد، می‌توان به استنتاج مهارت‌ها یا شایستگی‌هایی که باید در دستور کار نظام‌های تعلیم و تربیت قرار گیرد دست یافت.

اولین و شناخته شده‌ترین مهارت سواد اطلاعاتی است. سواد اطلاعاتی ناظر به قابلیت‌ها و شایستگی‌هایی است که به عنوان یک مهارت زندگی نوظهور تقریباً مورد وفاق و اجماع در سطح جهانی بوده و شاید نتوان هیچ نظام تعلیم و تربیتی را یافت که نسبت به این زمینه از مهارت‌های زندگی در عصر جدید با زندگی در "جامعه اطلاعاتی" حساسیت نشان نداده و اقداماتی را به عمل نیاورده باشد. انجمن کتابخانه‌های امریکا^۲ (۱۹۸۹) تعریفی کاربردی از مفهوم سواد اطلاعاتی ارائه کرده است. از نظر این انجمن باسواد اطلاعاتی کسی است که "تشخیص می‌دهد چه وقت اطلاعات مورد نیاز است، و توانایی شناسایی، ارزشیابی و استفاده موثر از اطلاعات مورد نیاز را دارا می‌باشد." پیش از آنکه تحولات متأثر از توسعه و گسترش جهانی شبکه اطلاعات جوامع اطلاعاتی را به ارمغان آورند و تنها کامپیوتر به عنوان ابداع جدید بشری پا به عرصه وجود گذاشته و با ظرفیت محدود به کار گرفته می‌شد، در جوامع تعلیم و تربیتی سخن از "سواد کامپیوتری" به میان می‌آمد که امروزه به عنوان جزئی از سواد اطلاعاتی مورد توجه قرار می‌گیرد.^۳ علاوه بر سواد اطلاعاتی و یکی از اجزاء مهم آن که قابلیت جستجو در پهنه گسترده اطلاعات سامان یافته در شبکه است، می‌توان کنش هرچه مسئولانه‌تر و هوشمندانه‌تر در محیط وب برای کمک به افزایش ظرفیت ارزشمندی که می‌توان آن را "بهره هوش جمعی"^۴ مندرج در شبکه را نیز در زمره قابلیت‌ها یا مهارت‌های اساسی در عصر فاوا منظور کرد. نگارنده تسلط به زبان انگلیسی برای دانش‌آموزان جوامع غیر انگلیسی زبان را هم در عداد مهارت‌ها و قابلیت‌های مسلمی می‌داند که بیش از گذشته به عنوان پیش نیاز مشارکت موثر در حیات دانائی محور محسوب می‌شود.

طرح دومین شایستگی با این نکته آغاز می‌شود که یادگیری دارای سطوح مختلفی است. نازلترین آن کسب داده و اطلاعات و مرحله عالی و نهائی آن خردی است که از آن می‌توان به عنوان خرد درونی شده، بصیرت یا خرد وجود شناسانه^۵ (با الهام از مک دونالد و دیگران، ۱۹۷۳)، نام برد. دست یابی به بصیرت^۶، بنابراین، باید به عنوان هدف یادگیری در دستور کار هر نظام های تعلیم و تربیتی قرار گیرد که به آثار ماندگار و پایدار می‌اندیشند. گرایش به سوی تمرکز بر اطلاعات در عصر جدید می‌تواند جلوه و جلای کاذبی بیابد. حال آنکه دلالت حقیقی فناوری جدید باید متوقف ساختن این جهت‌گیری در نظام تعلیم و تربیت تلقی شده و سطوح عالی‌تر یادگیری باید به شکل طبیعی وجهه همت قرار گیرد. به دیگر سخن، چنانچه نظام های آموزشی کماکان انتقال داده^۷ و انباشت اطلاعات^۸ را در کانون توجه داشته باشند، به دلیل عدم انطباق عملکرد با نیاز های

۱. استاد دانشگاه تربیت مدرس

mehrmohammadi_tmu@hotmail.com

2. American Library Association (ALA)

۳. کافی است توجه نمایم که دولت‌ها از هم اکنون و با شتابی فزاینده به سمت تبدیل شدن به "دولت الکترونیک" پیش می‌روند و شهروندان فاقد سواد کامپیوتری در آینده نه چندان دور ممکن است از دریافت بسیاری از خدمات اولیه هم محروم بمانند.

4. Collective intelligence quotient

5. Existential insight

6. insight

7. data

زیستی دانش‌آموزان در عصر دانایی، از درجه اعتبار ساقط خواهند شد و دانش‌آموختگان دارای ظرفیتی می‌شوند که بلاموضوع بوده و کامپیوترها و شبکه به اشکالی برتر و کارآمدتر از شکل انسانی، حامل این گنجینه‌های مبسوط و متراکم دانش‌اند. در این شرایط تجارب مکتسبه در نظام آموزشی به تجاری پوچ یا سترون تبدیل شده و ادامه حیات نهاد تربیت را با چالش مواجه می‌سازد. جالب است که برای دست‌یابی به سطوح برتر یادگیری اتفاقاً باید به رویکرد سنتی و آموزش‌های چهره‌به‌چهره متکی بود و از اتکاء به فضای مجازی پرهیز کرد. به عنوان نمونه دریفوس در "نگاهی فلسفی به اینترنت" تاکید می‌نماید که یادگیری در سطوح عالی نیاز به مواجهه رو در روی معلم و یادگیرنده و همچنین یادگیرندگان با یکدیگر دارد که اتکاء به فضای مجازی چنین امکانی را در اختیار نمی‌گذارد (ترجمه علی ملائکه، ۱۳۸۳).

تغییر اکولوژی یادگیری^۹ (Komosky, 2007) یکی دیگر از تحولات ناشی از فاوا می‌باشد که محوریت مدرسه را به عنوان فضای انحصاری یادگیری با چالش جدی مواجه کرده و نسل جدید را تا آنجا متکی به استفاده شخصی از رسانه‌ها در یادگیری نموده است که از آنان به عنوان "نسل رسانه‌ای"^{۱۰} نام برده می‌شود. تبیین کاماسکی^{۱۱} (۲۰۰۷) مبنی بر این که گسترش تعاملات شبکه‌ای برای یادگیری "اکولوژی" یا زیست بوم تازه‌ای تعریف کرده است قابل توجه و تأمل است. به باور وی یادگیری موسسه‌ای (مدرسه‌ای یا دانشگاهی) کاملاً تحت الشعاع محیط بسیار غنی یادگیری در خارج از موسسه قرار گرفته و واقعیت "خروج یادگیری از جعبه"^{۱۲} یا تعیین‌کننده نبودن یادگیری‌های موسسه‌ای را باید به رسمیت شناخت. واقع‌بینی و حسن استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها حکم می‌کند که مربی علاوه بر بهره‌جستن از این امکانات فاخر در کلاس درس سعی کند آگاهانه و خلاقانه تدابیری را به کار بندد که "اکولوژی یادگیری" متکی به شبکه ارتباطی در خارج از کلاس و موسسه را نیز جهت داده و به گونه‌ای هدایت نماید که منجر به هم‌افزایی فرصت‌های درون و بیرون از محیط کلاس گردد. توضیح بیشتر اینکه در عصر فاوا یادگیری را هرگز نمی‌توان محدود به ساعات حضور در مدرسه دانست، این معنا "ثبوتاً" منتفی است. برآورد های مربوط به ساعات صرف شده با مجموعه رسانه‌های حوزه فاوا در کشورهای پیشرفته صنعتی مانند آمریکا، ویر یا زود سایر کشورها، نشان می‌دهد کودکان و نوجوانان بیش از ساعات حضور در مدرسه در خلوت خود یا با دیگران و در اوقات به اصطلاح فراغت خود با رسانه‌ها سروکار دارند اما بهره‌برداری بهینه از فرصت‌های یادگیری در دسترس خارج از چارچوب نظام آموزش رسمی را باید از اوجب واجبات نیز دانست که فناوری جدید امکان آن را به شکل بی‌سابقه‌ای فراهم نموده و لذا باید آموزش مهارت‌های مربوطه هم به جد مورد توجه قرار گرفته و تقویت و تثبیت گردد. سال‌های پس از خروج از مدرسه به دنبال فراغت از تحصیل (نه فقط ساعات پس از مدرسه در حین تحصیل) هم مویید ضرورت برخورداری دانش‌آموختگان از قابلیت بهره‌برداری بهینه از فرصت‌های یادگیری است که به ویژه در فاوا تعبیه شده است. به این سخن‌گاردنر که از قول یک زیست‌شناس نقل کرده است توجه کنید که به قول او تنها "با حداکثر سه ماه تلاش نکردن برای به روز ماندن، فرد هرگز نخواهد توانست عقب‌افتادگی‌هایش را جبران کند" یا متحمل خسارت جبران‌ناپذیری می‌شود. این شرایط، یعنی یادگیری غیر محصور در حصار مدرسه در سال‌های تحصیل و یادگیری غیر محدود به یادگیری‌های مدرسه‌ای در سال‌های پس از تحصیل، اهمیت پرداختن نظام آموزشی به مجموعه گرایش‌ها و مهارت‌هایی که دانش‌آموختگان را قادر به قرار گرفتن در مدار یادگیری و رشد مستمر به ویژه با اتکاء به فاوا نماید به "اثبات" می‌رسد.

-
8. information
 9. Learning ecology
 10. Media generation
 11. Kenneth Komosky
 12. Learning out of the box

بحث درباره نگاه انتقادی به فاوا که توجه بسیاری از صاحب‌نظران مانند (Apple(1991) Carr(1387), Postman(1985,1995), Bauerlein(2008) را به خود جلب نموده است، به محدودیت‌ها و تنگنانهایی که این پدیده از نظر توسعه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های انسانی به همراه دارد می‌پردازد. محور اصلی و مشترک این نقد‌ها را شاید بتوان اینگونه توصیف کرد که به نظر می‌رسد فناوری‌ها و ابزارهای ساخته و پرداخته انسان که بدون شک با هدف سهولت بخشیدن و ارتقاء کیفیت زندگی به عنوان یک خواست مشترک و همگانی و گرایش جهانی ابداع شده‌اند، چه بسا به گونه‌ای ناخوشایند و نامطلوب، در کار ساخت انسان‌اند و عادات، ارزش‌ها و هنجارهایی را به صورت صریح و ضمنی به او تحمیل می‌نمایند. دستیابی به کیفیت حیات در ابعاد دیگر، به دیگر سخن، ممکن است همزمان با تسهیل دستیابی به اهداف و آرمان‌هایی از طریق فناوری به مخاطره بیفتد. به عبارت دیگر، به تعبیر نگارنده، برخی فناوری‌ها و به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات را می‌توان به غولی تشبیه کرد که به مدد انسان از چراغ بیرون بسته است و اکنون کمال یا حیات پاک او را با مخاطراتی هم مواجه ساخته است.

به باور نویسنده در ارزیابی واقع‌بینانه از این پدیده دوران ساز و اثرگذار نه باید به ساده‌انگاری گرایش پیدا کرد و نه این که با بدبینی مفرط گرایش‌های ضد ماشین (فناوری) یا اصطلاحاً "لودیتی"^{۱۳} در پیش گرفت. آموزش و پرورش لازم است به دور از هول و هراس ضد فناورانه یا "تکنولوژی‌هراسی"^{۱۴}، مدبرانه برای تهدیدها چاره‌اندیشی نماید. از همین بحث مقدماتی در بخشی که نگاه انتقادی به فناوری را مورد توجه قرار می‌دهد این نتیجه مهم و کارساز را از حیث مهارت‌ها یا قابلیت‌های اساسی زندگی می‌توان گرفت که "سواد فناوری" یا تربیت فناورانه^{۱۵} که ناظر به شناخت ظرفیت‌ها و محدودیت یا فرصت‌ها و تهدیدهای فناوری اطلاعات و ارتباطات است و توسط یکی از منتقدین پیشنهاد شده، یک زمینه مهم و حائز اولویت یادگیری است. از این طریق، یعنی تکنولوژی را موضوع آموزش قرار دادن، نظام آموزشی باید در جهت تثبیت رویکرد معقول و به دور از افراط و تفریط در مواجهه با فناوری در نسل جدید گام بردارد. (یستم، ۱۹۹۵، ص ۴۴)

بازنگری در انگاره تربیت سیاسی اجتماعی وجه دیگری از تحولاتی است که از نظام‌های تعلیم و تربیت به طور جدی مطالبه می‌شود. این بازنگری در چارچوب اعطای مهارت‌های اجتماعی دمکراتیک یا تربیت شهروندان برخوردار از ظرفیت‌های دمکراتیک ارزیابی شده (میلر، ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۷۹) و برخورداری از قابلیت‌های مربوطه^{۱۶} (البته با عنایت به اختصاصات فرهنگی و تاریخی جوامع) جزء الزامات غیر قابل اجتناب عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات به حساب می‌آید. انسان‌های این عصر، به دیگر سخن، چه حاکمان اراده‌شان تعلق بگیرد یا نگیرد از امکانات بی‌نظیر و رو به تزاید شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی^{۱۷} برخوردارند که به آن‌ها توان، آگاهی، حق انتخاب و همچنین اجازه حضور فعال در عرصه تعیین سرنوشت می‌دهد. بر این اساس شایسته است با فهم ماهیت ظرفیت سیاسی اجتماعی فناوری جدید یا همان امکان شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، حاکمیت‌ها با توسل به نظام تعلیم و تربیت به عنوان موثرترین نهاد رسمی تربیت سیاسی اجتماعی، نسل جدید را

13. Luddites

14. technophobia

15. Technology education

۱۶. قابلیت‌های همسو با ویژگی‌های نظم سیاسی اجتماعی مردم سالار که از جمله عبارتند از: پاسخگو بودن قدرت در برابر قانون، تن دادن به حاکمیت مردم، آزادی اندیشه و کنشگری مسئولانه فردی و اجتماعی شهروندان

۱۷. شبکه‌های اجتماعی مانند twitter، facebook و Buzz در گوگل نمونه‌های تازه‌ای از این امکانات هستند که در آینده نزدیک به شکل فراگیر مورد استفاده قرار گرفته و عملاً اعمال هر نوع کنترل بر گردش اطلاعات را از میان بر می‌دارد. پدیده انحصار‌گرایی و اعمال مدیریت سراسری و متمرکز بر این عرصه و در نتیجه نظام‌های سیاسی و اجتماعی متکی به این انحصار بدین ترتیب بیش از پیش به یک مقوله متعلق به گذشته تبدیل خواهند شد. اتفاق پرسروصدای دیگری به نام سایت ویکی‌لیکس (WikiLeaks) در سطح بین‌المللی هم نشان داد که کنترل اطلاعات حتی از عهده ایالات متحده آمریکا نیز در حدی که حکمرانان آن لازم یا مصلحت می‌دانند ساخته نیست.

در جهت بهره برداری سازنده و مسئولانه از آن که همان تعالی بخشیدن به موقعیت اجتماعی خویش و دیگران است آماده سازند

بازنگری در انگاره تربیت ارزشی و فرهنگی هم ضرورت عصری دیگری است. شبکه ای شدن روابط اجتماعی نیز یکی از وجوهی است که در بخش اقتضائات اجتماعی فاوا می توان مورد توجه قرارداد. امکان نامحدود پیوستن به شبکه های دارای علائق و ارزش های گوناگون و مشارکت فعال و موثر در آن ها صرف نظر از محدودیت های فضائی و زمانی اتفاق سترگ و بی نظیر دیگری است که در کیفیت زندگی افراد تاثیر شگرفی دارد. این تاثیر البته می تواند در جهت مثبت و تعالی فردی و اجتماعی عمل نموده و در صورت نادیده انگاشتن ملاک ها و هنجارهای فرهنگی نیز به یک عامل شتاب دهنده به سیر قهقرایی فرد و جامعه تبدیل گردد. در اینجا سخن از "هویت های مجازی" است که پدیده ای منحصر به عصر فاوا بوده و به عنوان یک پدیده هویتی نوظهور، پیچیده و با وجوه متکثر می تواند برخورداری فرد از هویت یکپارچه و سازگار را که پیش نیاز سلامت زیستی و روانی است با دشواری های بیشتری مواجه سازد. دیگر هویت یابی و جامعه پذیری محدود به مرزهای فیزیکی و قابل کنترل نبوده بلکه در پهنه و گستره جهانی اتفاق می افتد. این گسترش در سطح، گسترش در ماهیت و محتوی را نیز به همراه داشته و پدیده چند فرهنگی یا "گفتمان میان فرهنگی"^{۱۸} را به امری رایج و روزمره بدل خواهد ساخت. فاوا، بنابراین، معرف یکی از تحولاتی است که استحکام ارزش ها و باورهای فرد در ابعاد گوناگون یا منش و هویت او را به شدت و مستمرا در معرض تعارض و چالش قرار داده و درجه کارآئی تربیت ارزشی و فرهنگی در نظام آموزشی را در معرض آزمونی سخت قرار می دهد. از این رو تربیت ارزشی و فرهنگی با رویکرد "مصونیت بخشی" (نه محروم سازی و قرنطینه کردن) را باید با اولویت ویژه ای در نظام آموزشی مورد توجه قرار داده. دست یابی متریبان به مهارت هایی مانند خوبشتنداری (کف نفس) و تقویت قدرت قضاوت عقلانی را در تمسک به رویکردها و روش های تربیتی مناسب توسط مربیان و والدین ملاحظه نمود. مهارت های چند فرهنگی یا "سواد جهانی"^{۱۹} نیز که شامل قابلیت های خرد متعددی است و با تعریف جدید قابلیت شهروندی همخوانی دارد پیش نیاز حضور در صحنه گفتمان های میان فرهنگی محسوب شده و در زمره مهارت های غیر قابل اجتناب در عصر جدید خواهد بود.

تقویت خود شیفتگی و خود ستائی و روی آوردن به موازین اخلاقی ویژه ای که بر اساس آن هر اقدام ممکن را ماذون و مجاز می شمارد، به زعم برخی از ناظران منتقد در این، در کمین نسل شبکه ایست. منتقدین نسل شبکه ای با تخطئه کردن این نسل از جمله هشدار می دهند که شواهد گوناگونی برای پشتیبانی از این مدعا در اختیار دارند. از جمله این شواهد به مقایسه نتایج آزمون سنجش خود محوری^{۲۰} دانشجویان در فاصله زمانی ۲۵ ساله اشاره می شود. علاوه بر این بررسی ها نشان داده است که سرقت های گوناگون اینترنتی در سایه دسترسی وسیع به منابع و محصولات فکری و... دیگران بسیار رواج یافته و از آنان استادان مجربی در این زمینه ساخته است!! (تپ اسکات، ۲۰۰۹، ص ۴-۵) گرچه تپ اسکات و بسیاری دیگر این چنین نگاه بدبینانه را فاقد اعتبار می شمارند اما باید این نکات را دست کم از باب هشدار جدی گرفت و برای پیشگیری از وقوع آن در نظام های تعلیم و تربیت چاره اندیشی نمود تا جهانی که در آن زیست می کنیم بیش از این دچار بحران اخلاقی نگردد و بعد تازه ای به بد اخلاقی های بشر اضافه نشود. باورها و بینش های متناسب با این مهم باید به عنوان شایستگی های اساسی از طریق نظام های آموزشی مورد توجه قرار گیرد. احساس مسئولیت در برابر جمع و خوبشتنداری در برابر وسوسه رفتارهای خود ستایانه یا خود پسندانه از جمله این موارد است.

18. Intercultural discourse

19. Global Literacy

20. Narcissistic Personality Inventory

جمع‌بندی:

فهرست مهارت‌های اساسی زندگی شناسایی شده متناسب با اقتضات عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات مشتمل بر دوازده محور به قرار زیر می‌باشند:

- سواد اطلاعاتی شامل سواد کامپیوتری، جستجوی موثر، کنش مسئولانه و هوشمندانه در محیط وب و کمک به افزایش بهره هوش جمعی و همچنین تسلط به زبان انگلیسی
- دستیابی به سطوح عالی تر یادگیری (دانش و بصیرت، ذهن ترکیب کننده)
- مدیریت دانش (خود سازماندهی یادگیری و اعمال آگاهانه مدیریت بر اکولوژی یادگیری خویشتن)
- یادگیری مادام‌العمر، خود اتکائی در یادگیری
- فهم ماهیت فناوری (سواد فناوری)، تقویت اراده و حفظ تمرکز (بروز واکنش مناسب در برابر وسوسه دائمی به اصطلاح "سرک کشیدن" و "نوک زدن" به منابع مختلف)
- برخورداری از ذهن پرسشگر و آباستن سوال
- تقویت تمایل به حضور در متن واقعیت‌ها و طبیعت (به عنوان مجرای غیر قابل جایگزین شناخت و وسیله ای ممتاز برای کسب معرفت)
- تربیت شهروندی و مهارت‌های زیست مردم سالارانه
- خویشتنداری (کف نفس) و تقویت قدرت قضاوت عقلانی
- مهارت‌های چند فرهنگی، سواد جهانی
- فرد باوری تا مرز خلل به هویت جمعی
- خویشتنداری و پرهیز از رفتارهای غیراخلاقی خود ستایانه یا خود پسندانه

فهرست منابع:

- هیوبرت دریفوس، نگاهی فلسفی به اینترنت، ترجمه علی ملانکه (۱۳۸۳). انتشارات گام نو
- کار، نیکلاس (ترجمه سید مصطفی ناطق الاسلام) آنچه اینترنت بر سر مغز های ما می آورد. مجله شبکه، شماره ۱۹۱، شهریور ۱۳۸۷
- مهرمحمدی، محمود (ترجمه). نظریه های برنامه درسی. نویسنده جی. پی. میلر. انتشارات سمت، سال ۱۳۷۹
- American Library Association Presidential Committee on Information Literacy. (1989). Final report. Chicago: Author. (ED 315 074)
- Apple M W (1991). The new technology: is it part of the solution or part of the problem in education? Computers in the Schools 8, 1/2/3, 59-81.
- Bauerlein, M.(2008). The Dumbest Generation: How the Digital Age Stupifies Young Americans and Jeopardizes our Future. Penguin Tarcher, NY.
- Komoski, K.(2007). 21st Century Teachers and Learners: Prosumers in a Bi-literate Knowledge-Driven World. Invited Paper, ACE-SITE 2007 Annual Conference, San Antonio, Texas
- Mcdonald, J.B. & Wolfson, B.J. & Zaret, E.(1973). Reschooling Society: A Conceptual Model. Association for Supervision and Curriculum Development
- Postman, N. (1995). The End of Education: Redefining the value of School. Vintage Books, NY.

- Postman, N. (1985). Amusing ourselves to death: public discourse in the age of show business, Penguin, New York
- Tapscott, D. (2009). Growing Up Digital: How the Net generation Is Changing your World. McGraw Hill, NY.
-

دانشگاه اراک